**بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ**

إِنْ أُرِيدُ إِلَّا الْإِصْلَاحَ مَا اسْتَطَعْتُ وَمَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ (هود-88)

اللهم صلّ علی محمّد و آل محمّد و عجّل فرجهم

**حضور ارجمند حجت‌الاسلام و المسلمین دکتر رئیسی**

**رئیس‌جمهور محترم**

سلام علیکم؛

احتراماً؛ مستحضرید ساختار اقتصاد ایران که خصوصاً طی سه دهۀ اخیر تحت انقیاد نسخه‌های لیبرالی صندوق بین‌المللی پول قرار گرفته و مورد هجمه واقع شده، برای اصلاح، نیازمند مواجهۀ فعال، اتخاذ تدابیر ویژه، و شجاعت و همت لازم است. مجدداً متذکر می‌شود در دولت کنونی نیز، به‌رغم انتظارات و برخلاف تلاش گسترده و شایسته در کنش‌های برنامه‌محور و آرایش‌دهی نخبگان و اصلاحات قرارگاهی، به اصلاح برخی **ساختارهای کلیدی** که به‌مثابه «**تنگۀ احد اقتصاد**» عمل می‌کنند توجه لازم مبذول نشده، و از این رهگذر، ملاحظه می‌کنیم که تلاش‌های پردامنۀ صورت‌گرفته اثر مثبت موردانتظار را در **معیشت مردم** برجای نگذاشته است. این روزها، که متعاقب **افزایش نرخ ارز** در پایان سال گذشته، **قیمت‌های نسبی** درخور تغییراتی شده و فشارها به دولت برای افزایش قیمت اقلام اساسی و معیشتی مردم **مجدداً فعال شده است**، بررسی نکات کلیدی موجد این شرایط حتماً مؤثر و مفید است؛ چه‌اینکه فرمود [«وَذَكِّر فَإِنَّ ٱلذِّكرَى تَنفَعُ ٱلمُؤمِنِينَ](https://quran.inoor.ir/fa/ayah/51/55/)».

طی حدود **15 سال اخیر**، متعاقب شرایط خاص اقتصاد ایران در نیمۀ دوم دهۀ 1380، **سازوکاری معیوب** شکل گرفته که با واردکردن یک **تکانه**، کل سازۀ حساس و شکنندۀ اقتصاد ایران با **تخریب نوبه‌ای** بازارهای گوناگون درگیر می‌شود. **تکانۀ اولیه** **و پیشران** طی این 15 سال، معمولاً یا افزایش **نرخ ارز** (با دلالت‌ها و روش‌های گوناگون) بوده، یا افزایش **قیمت بنزین و انرژی**. به دیگر سخن، متعاقب واردآمدن یک شوک در متغیرهای پیشران مانند بنزین و نرخ برابری ارز، و در نبود ابزارهای کارآمد کنترلی دولت و البته مهمتر از آن وجود «**گارد انفعالی دولت**»، امکانات سفته‌بازانه و مخرّب بازیگران اقتصادی (از بازیگران خرد تا انحصارگران بزرگ و تا دشمن)، به‌صورت نوبه‌ای قیمت‌ها در بازارهای گوناگون دارایی‌ها ازجمله ارز و طلا و ملک و خودرو و غیره را دچار تکانه می‌کند. در وهلۀ بعدی، در دوگانگی و ناترازی قیمت‌های نسبی، دولت ناچار می‌شود قیمت کالاهای اساسی و تحت رصد و کنترل را نیز به قیمت کالاهایی که با سوداگری و فساد تعیین شده برساند؛ و درواقع **از قیمت‌های تعیین‌شده در بازار آزاد(قاچاق)ارز تبعیت نماید**!

آنالیز کیفیت **تسهیلات‌دهی بانک‌ها** آشکارا نشان می‌دهد که متعاقب افزایش عمومی قیمت‌ها، هر سال **نقدینه‌خواهی** فعالان اقتصادی با جهش همراه است؛ بانک‌ها ناچار با پمپاژ مجدد این نقدینگی (اصطلاحاً **درون‌زا**) سیکل را کامل کرده و زمینه را برای **جهش بعدی** فراهم می‌کنند؛ و باز روز از نو، اما این‌بار در **پلۀ قیمتی بعدی**!

نکتۀ حایز اهمیت آن است که چنانچه حاکمیت بخواهد با **جلوگیری از تولید نقدینگی به‌صورت کلی و غیرهدفمند** (هدفمند یعنی اختصاص نقدینگی به فعالیت‌های مولد و جلوگیری از سرریز نقدینگی به سوداگری و فساد و فعالیت‌های نامولد) با **سیکل معیوب** افزایش قیمت‌ها مبارزه کند، و نقدینگی کافی در اختیار تولیدکننده یا فعال اقتصادی قرار ندهد، پدیدۀ بعدی در میان‌مدت دامن‌زدن به «**رکود اقتصادی**» و در انواع شدیدتر این عارضه، درگیر شدن با اسقاط یا «**کلپس**» اقتصادی خواهد بود. برگردیم به بحث.

اقتصاد ایران در **چرخه‌ای مخرّب** گرفتار آمده است. **دولت اگر این چرخۀ مخرّب را بپذیرد (مغلوب آن شده)، که تاکنون پذیرفته** (یعنی آن رفتارهای مخرب را بدون پاسخ گذاشته، بلکه مؤید آنها بوده) ناچار است منفعلانه با این چرخۀ معیوب به‌صورت نوبه‌ای همراهی کند، و خود نیز لاجرم باید قیمت‌های تحت کنترل خود را نوبه‌نو و به‌صورت رسمی بالا ببرد؛ کمااینکه تاکنون چنین کرده است.

مشی دولت در **مهار تورم** طی سه سال اخیر، مبتنی بر تفکر کسانی شکل گرفت و عملیاتی شد که معتقدند **اولاً** باید تنها یک نرخ ارز (بازار آزاد(قاچاق)) در کشور وجود داشته باشد و **ثانیاً** تخصیص ارز رسمی به کالاها، ایجادکنندۀ رانت و فساد و قاچاق و غیره است و به هدف اصابت نمی‌کند. **دولت محترم کاملاً در زمین این افراد بازی کرده**؛ چه اینکه ابتدا ارز 4200 را حذف کرده و در ادامه درصدد است نرخ 28500 را نیز حذف کند و کالاهای مشمول نرخ رسمی ارز را یک‌به‌یک حذف نماید. با این احوال، فارغ از تجربیات مکرر پیش از این دولت، اکنون پس از قریب سه سال از حضور دولت فعلی نیز، طرح این **دو پرسش جدی** می‌تواند عیار این تفکر را نشان دهد:

1. به چه دلیل با وجود تأکید تیم اقتصادی دولت بر اتخاذ این **سیاست ارزی** که طرفدار افزایش نرخ ارز برای وجود «یک نرخ» در بازار رسمی است، پس از طی سه سال و اجرای مکرر این نسخه، در حال حاضر چند نرخ رسمی در کشور وجود دارد؟! چرا با وجود انجام مکرر این نسخه، این **عارضۀ چندنرخی** علاج نشد؟! **چرا باید باور کنیم در ادامه، و با حذف نرخ 4200 و بعد 28500، همین نظم نامبارک باز هم در پلۀ قیمتی بالاتر شکل نگیرد و دوباره ناچار به حذف آن ارز با قیمت‌های 40 و 50 و 100هزار تومان و بالاتر نباشیم؟! این نسخۀ بیمار تا کجا بناست دامن‌گیر اقتصاد ما باشد؟!** این پرسش اول.
2. اگر با فرض نادرست دوم دوستان همراهی کنیم، و عدم اصابت نرخ رسمی به کالاهای اساسی را بپذیریم، باز هم با اجرای مکرر این سیاست معیوب، **چرا رانت ادعایی کم نشده، بلکه افزایش داشته است؟!** چه اینکه سیاستگذار به اجبار و در پی تکانه‌های تورمی ناشی از حذف ارز 4200 تومانی، مجدداً به تخصیص ارز 28500 تومانی به کالاهای اساسی تن داد! و باز هم همان رانت در مقادیر بسیار بالاتری شکل گرفت!

التفات بفرمایید این مدعای «عدم اصابت نرخ رسمی به اقلام اساسی و ایجاد رانت» **ابداً درست نیست**. ذیلاً جدول مقایسه‌ای قیمت 6 قلم کالای اساسی آورده شده که اتفاقاً حاکی از اصابت به هدفِ سیاستِ تخصیص ارز با نرخ 4200 تومان و ایضاً 28500 تومان است. چراکه **اگر** ارز 4200 و بعد28500 تومانی مطابق ادعای آقایان به هدف اصابت نکرده بود، و معاملات با نرخ ارز آزاد(قاچاق) انجام می‌شد، **پس از حذف این نرخ‌ها** **با جهش قیمت در کالاهای اساسی روبه‌رو نمی‌شدیم!** عنایت بفرمایید:

|  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- |
| نام کالا | اسفند 1400 | اسفند 1401 بعد از حذف ارز 4200 تومانی | اردیبهشت 1403 (تداوم پرداخت ارز 28500 تومانی) |
| روغن سرخ کردنی 810گرمی | 13000 تومان | 53000 تومان | 50500 تومان |
| شیر 3.2 درصد هر کیلو درب دامداری | 6400 تومان | 15000 نومان | 15000 تومان |
| مرغ | 31500 تومان | 65000 تومان | 76500 تومان |
| گوشت شقه گوسفندی | 129000 تومان | 340000 تومان | 340000 تومان(دولتی) |

همچنین شایسته است به قیمت قند و شکر که قبل از دولت جنابعالی تخصیص ارز 4200 تومانی به آنها حذف شد نیز توجه فرمایید:

|  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- |
| نام کالا | قیمت قبل از حذف ارز 4200 فروردین 1398 | قیمت بعد از حذف ارز 4200 در فروردین 1400 | قیمت در فروردین 1401 تامین با ارز حدودا 22000 تومانی | اردیبهشت 1403 (تداوم پرداخت ارز 28500 تومانی) |
| قندشکسته بسته بندی | 8900 تومان | 17500 تومان | 27000 تومان | 38000 تومان |
| شکر فله | 3500 تومان | 15000 تومان | 17000 تومان | 28000 تومان |

چگونه می‌توان ادعای عدم تأثیر پرداخت ارز 28500 تومانی را پذیرفت درحالی‌که بعد از تصویب اقلام مشمول ارز 28500 تومانی در تاریخ 12 اردیبهشت 1403 و **حذف شکر** به عنوان یک قلمِ مشمول دریافت این ارز، قیمت رسمی **شکر فله حدوداً 50درصد افزایش پیدا می‌کند**؟!

دلالت دیگری ببینیم: جدول زیر **میانگین قیمت خرید نهاده** توسط یکی از شرکت‌های تولیدکنندۀ **کنستانتره** در بازارگاه را نشان می‌دهد. می‌بینیم تخصیص ارز 28500 تومان، دقیقاً به هدف اصابت کرده است.

میانگین قیمت خرید نهاده توسط یکی از شرکت‌های تولیدکنندۀ کنستانتره در بازارگاه



با این اوصاف، جای شگفتی است که باز هم حرکت به سمت نرخ بازار آزاد(قاچاق)ارز و لزوم آزادگذاشتن این بازار و عدم اصابت نرخ رسمی به هدف حرف بزنیم! به‌روشنی ملاحظه می‌فرمایید که **هردو دلالت** کسانی که به اشتباه دولت را به افزایش قیمت‌ها به سمت بازار آزاد(قاچاق)، و افزایش نرخ ارز رسمی متناسب با این بازار مختل شده سوق می‌دهند، طی دو مرحله در سه سال اخیر **باطل شده** و ره به جایی نبرده است. پس **چرا باید مجدداً و چندباره چنین نسخه‌ای عملیاتی شود**؟! **تا کجا بناست این نسخه، تخریب‌گر کل اقتصاد ایران باشد**؟!

اکنون نیز متعاقب افزایش نرخ ارز در پایان سال گذشته و برهم‌خوردن **قیمت‌های نسبی**، در شرایطی که نرخ بازار آزاد(قاچاق) و قیمت‌های دارایی‌ها درگیر **شوک افزایشی** شده، سیاستگذار تصمیم گرفته به‌صورت نوبه‌ای برخی قیمت‌ها و همچنین نرخ رسمی ارز را باز هم افزایش دهد. به‌رغم استدلال‌های باطل و مخرّب، که در بالا ذکر شد، با نگاهی به **تصویب‌نامۀ اخیر هیئت وزیران**، و مقایسۀ کالاهای مشمول ارز 28500 تومانی طی سال گذشته و امسال درمی‌یابیم که **امسال قیمت حبوبات، کره، چای، لاستیک، کاغذ و ... با افزایش قیمت همراه شده است**. این افزایش به معنی **برداشت از سفره اکثریت قشر متوسط و فقیر جامعه برای اقلیت صاحب منفعت** است که هیچگاه از کسب منافع بالاتر اشباع نخواهند شد. **همچنین این افزایش، قیمت نسبی سایر کالاهای تولید داخل مشمول ارز 28500 تومانی را برهم زده و تولیدکنندگان**

** داخلی خواهان حذف این ارز خواهند شد**. این یعنی **شعله ورتر شدن آتش تورم**. شاید در پاسخ مطرح شود که «چاره‌ای جز این نمانده»؛ اما مسئلۀ اصلی اینجاست که «**چرا دولت از ابتدا منفعل بوده که نرخ بازار آزاد(قاچاق) و دارایی‌ها درگیر شوک شود؛ تا برسد به شرایط ناچاری فعلی؟**».

**جناب آقای رئیس‌جمهور**

**سه سال پیش از این، با روی کار آمدن حضرتعالی،** **بارقه‌ای از امید در دل‌های مستضعفان این کشور شکل گرفت**، نخبگان دلسوز پس از مدتی طولانی به اصلاح ساختارهای اقتصادی امیدوار شدند، و در نگاهی وسیع‌تر جهان اسلام و محور مقاومت آمادۀ جهش اقتصادی شد که تاکنون تجربه نکرده بود.

اکنون سه سال از آن موعد گذشته و تنها حدود یک سال از فرصت دولت فعلی باقی مانده است. طی سه سال اخیر، گرچه کنش‌های ارزشمند قرارگاهی و مقطعی دولت از دیدگاه نخبگان پنهان نمانده، و گشایش‌های مهمی را رقم زده که پیش از این کمتر سابقه داشته است، اما کنش ضعیف اقتصادی دولت در **اصلاح ساختارها** قابل توجه است. بدون بزرگنمایی و تعارف، بسیاری از رفتارهای ساختاری و کلان دولت، و ادبیات معطوف به این رفتار، جز تئوری‌ها و نسخه‌های معروف و شناسنامه‌دار **صندوق بین‌المللی پول موسوم به «تعدیل اقتصادی»** نبوده است. برآیند و سرجمع این شرایط را در سفرۀ مردم مشاهده می‌کنیم.

با روش‌های فعلی، و با نوع ورود و خروج دولت به اصلاح مسائل زیرساخت‌های اقتصادی، اصلاحات ساختاری اقتصادی ابداً متصور نیست. **شرایط اقتصادی با سرعتی بیش از پیش، به نفع اغنیا و به ضرر فقرا، و به نفع سوداگران و به ضرر بازیگران مولد، و به نفع دشمن و به ضرر جمهوری اسلامی درحال تغییر است.** **باید طرحی نو درانداخت.** پس از انذار و هشدار مکرر در مکرر نخبگان دلسوز، و روشن شدن صحنه برای جنابعالی، چنانچه در زمان باقیمانده نیز اصلاحات ساختاری اقتصادی شکل نگیرد، قهراً جنابعالی مسئول خواهید بود، و باید در پیشگاه خداوند متعال و در برابر مستضعفین جامعه و نمایندگان مردم شریف ایران پاسخگو باشید که چرا حتی در دولت شما هم دست بازیگران فاسد و زالوصفت اقتصاد بسته نشد و پابرهنگان و مستضعفان طعم حرکت به سمت **عدالت علوی** را حس نکردند.

فی‌الحال اجرای **چهار پیشنهاد اجرایی مشخص**، مسیر اقتصادی دولت را از توصیه‌های شناسنامه‌دار صندوق، به اصلاح امور بازخواهد گرداند.

1. **اولین اقدام**، **ابطال مصوبۀ پیش‌گفتۀ هیئت وزیران** است. ابطال این مصوبه، به معنای جلوگیری از جهش قیمت در کالاهای اساسی و معیشت مردم است. اصولاً پیش از اقدامات فوری در کنترل بازارها، واردکردن هرگونه شوک قیمتی، خارج از منطق عقلانی و غیرسازنده، و متضمن افزایش فاصلۀ طبقاتی و ضیق معیشت طبقۀ متوسط و فرودست جامعه خواهد بود.
2. **دومین اقدام**، تغییر در جهت سیاستگذاری دولت، از سیاستی تجربه‌شده و شکست خورده به سیاستگذاری عقلانی و درست است. سیاستگذار در سیاست فعلی به تبعیت از بازار آزاد(قاچاق)، اقلام مشمول 28500 را یک‌به‌یک حذف نموده و زمینۀ جهش تورمی بعدی را فراهم می‌نماید؛ به طمع اینکه **دور باطل علل تورمی** بالاخره یک جایی از حرکت بازبایستد! عنایت بفرمایید که چنانچه با شرایط فعلی پیش برویم و علل و اسباب ایجادکنندۀ تورم را از بین نبریم، رسیدن به ثبات اقتصادی سرابی بیش نیست. به‌عنوان دومین اقدام، **دولت محترم باید به‌عکس جهت سیاست‌های فعلی، با کاهش و حذف شمول ارز اشخاص و نیمایی، و افزایش دایرۀ اقلام مشمول 28500، نرخ‌ها را به سمت پایین هدایت نماید**. درحقیقت عکس جهت سیاستگذاری فعلی، به‌جای دنباله‌روی از نرخ بازار آزاد(قاچاق)باید یک نرخ منطقی مبنا قرار گیرد و تقویت شود. بدیهی است که صادرکنندگان نیز از همین نرخ باید تبعیت کنند.
3. **اقدام سوم**، **اجرای بستۀ جامع 6بندی پیوست است** که احتمالاً طی 6ماه به ثبات بینجامد. منطق این بسته سیاستی این است که اصلاحات جامع اقتصادی، متضمن صرف وقت و انرژی فراوان است، اما در شرایط فعلی نیز با اهرم‌های ویژه‌ای که در اختیار حاکمیت قرار دارد، ایجاد ثبات در اقتصاد طی دوره‌ای 6ماهه کاملاً میسر و ممکن است.
4. **اقدام چهارم**، پیگیری اقدامات جامع اصلاحی همانند برقراری مالیات‌های لازم، **تکمیل پایگاه‌های اطلاعاتی و اعمال نظارت مؤثر** با تقاطع‌گیری از آنها، جدیت در اجرای سیاست‌های انبساطی برای فعالیت‌های مولد و انقباض در فعالیت‌های نامولد، مبارزه با قاچاق و موارد دیگر است که در پیوست نیز ذکر شده است.

چهار پیشنهاد فوق‌آمده، تنها حاصل نظریه‌پردازی تئوریک اساتید دانشگاه در محیطی آزمایشگاهی نیست؛ کوله‌باری از تجربیات اجرایی تعداد زیادی از اندیشمندان اقتصادی کشور طی دهه‌های متمادی در دستگاه‌های اجرایی و قضایی و نهادهای حاکمیتی، پشتیبان این مدعاست: **«اصلاحات ساختاری، طی یک سال باقیمانده، کاملاً میسر و ممکن است».**

با آرزوی توفیق

حسین صمصامی

منتخب مردم تهران، ری و شمیرانات در مجلس شورای اسلامی و

عضو هیئت علمی دانشکدۀ اقتصاد دانشگاه شهیدبهشتی

بیست‌ونهم اردیبهشت‌ هزار و چهارصد و سه



**- پیوست نامه**

**- اجرای سیاست­های مناسب ارزی**

در شرایط موجود یکی از عوامل مهم در رشد اقتصادی و افزایش سرمایه­گذاری ایجاد ثبات نسبی در اقتصاد به خصوص قیمت­هاست. با توجه به اینکه رابطه مستقیمی بین افزایش نرخ ارز و تورم وجود دارد و با توجه به تضعیف پیاپی و شدید پول ملی کشور در بیش از سه دهه بعد از انقلاب لازم است دولت سریعا سیاست­های تثبیت و سپس تقویت پول ملی را اتخاذ نماید.

***الف) اصل تک نرخی بودن نرخ ارز***

اصل تک نرخی بودن ارز رسمی برای تمامی مصارف ضروری ارزی همانند کالاهای اساسی، مواد اولیه تولید و کالاهای سرمایه­ای و عدم پذیرش و قبول هرگونه نرخ دوم نظیر بازار توافقی، مرکز مبادله ارز و طلا و یا غیررسمی یکی از ضروری­ترین سیاست­های ارزی است.

سیاست تک نرخی ارز در بعد از انقلاب سه بار در سال­های 1371، 1381و 1397 اجرا شد. در مورد سال های 1371 و 1381 قبلا توضیحاتی داده شد. در بیستم فروردین ماه 1397 بانک مرکزی اطلاعیه شماره یک را منتشر کرد که در آن کلیه صادرکنندگان و واردکنندگان ملزم شدند تا عرضه و تقاضای ارز خود را صرفا در سامانه نیما[[1]](#footnote-1) و فقط نرخ 4200 تومانی انجام دهند. علاوه براین کلیه مبادلات ارزی در خارج از سامانه نیمایی قاچاق محسوب می­شد. گرچه مجموعه ­این سیاست­های بسته مناسب ارزی را در آن زمان ارایه می­کرد اما اجرای ناقص و غلط منجر به شکست این بسته سیاستی شد. چراکه اولا ارز 4200 تومانی را تقریبا به اکثریت مصارف ضروی و غیر ضروری تحصیص می­داد. در سال 1397 بانک مرکزی اقدام به انتشار [لیست 53 صفحه ای کرد که در آن فهرست کالاهای مشمول ارز 4200 را نشان می­داد. در مجموعه این کالاها اقلامی همچون، اتوبرقی](file:///C:\Users\a.zaheri.INHD\Downloads\ارز\final2.pdf)، اتوخانگی پرسی، بخارشو، جاروبرقی، چای، چای ساز و قهوه ساز، فراجاق گاز، کاغذ تحریر a4 ، ماشین لباسشویی، موز، یخچال، نخود و اقلامی از این نوع را نشان می­داد که حکایت از ناکارایی بانک مرکزی در تخصیص منابع کمیاب ارزی داشت. علاوه براین، برخی گزارش­ها در مورد واردات برخی از اقلام و واردکنندگان آنها نشان می­داد که به جای دارو، بخارشوی وارد شده است. تیم فوتبال اقدام به واردات تایر خودرو کرده است. یک شرکت خودرو سازی، چای وارد کرده است و یا شرکت واردکننده پارچه، 120 هزار یورو لوبیا چیتی وارد کرده است. برخی از اصناف در مورد برخی از واردکننده­ها اعتراض داشتند که مثلا وارد کننده کاغذ جز این صنف نبوده و معلوم نیست ارز تخصیصی منجر به وادات این کالا شده است یا نه؟و یا برخی از وارد کنندگان لوازم خانگی مورد تایید صنف مربوطه نبوده است.

ثاتیاَ دولت در 4/4/1397 یعنی دقیقا سه ماه بعد از اطلاعیه شماره یک بازار ثانویه ارز را راه­اندازی کرد. در این بازار[صادرکنندگان ارز مجاز شدند تا ارز خود را را به نرخ توافقی به واردکنندگان بفروشند و حق استفاده از گواهی صادراتی در بازار بورس(فقط کالاهای گروه سوم)](file:///C:\Users\a.zaheri.INHD\مصوبات%20سیاست%20های%20دولت\4-4-97.docx)به آنها داده شد. بنابرای این بسته سیاستی در مورد یکسان سازی نرخ ارز هیچگاه اجرا نشد و تا اردیبهشت سال 1402 کلیه اقلام مشمول ارز 4200 تومانی حذف شد.

سوال مهمی که اکنون مطرح می­شود آن است که با اتخاذ سیاست یکسان سازی نرخ ارز، مکانیزم تعیین نرخ چگونه باشد؟

اولین پاسخی که به ذهن خطور می­کند این است که ارز هم همانند سایر کالاها باید نرخ آن در بازار تعیین شود. می­دانیم که در چهارچوب مبانی علم اقتصاد و اقتصاد خرد هنگامی که در مورد بازار و نقش قیمت در تخصیص منابع بحث می­شود، تنها بازاری که منجر به کشف قیمت کاراء و تخصیص منابع کاراء و شرایط بهینه پرتو می­شود، بازار رقابت کامل است. آیا در اقتصاد ایران چنین «بازار منسجم ارزی» که توانایی «کشف قیمت کاراء ارز» را داشته باشد، داریم؟ عناصر بازار شامل دو بخش عرضه و تقاضا می­باشد. در بخش عرضه ارز که حاصل کل درآمدهای ارزی کشور است بیش از 50 درصد از کل درآمدها ناشی از درآمدهای نفت و گاز است.[[2]](#footnote-2) همچنین بیش از35 درصد از کل صادرات غیرنفتی نیز به محصولات پتروشیمی تعلق دارد. در طرف تقاضا نیز بیش از 85درصد از کل واردات مربوط به نهادهای تولیدی است. این ترکیب درآمدهای و نوع واردات محصول موجب کاهش حساسیت عرضه و تقاضای ارز نسبت به نرخ ارز شده است و لذا امکان کشف قیمت در این بازار وجود ندارد.

لازم به ذکر است که بازارهای مصنوعی که بانک مرکزی تحت عناوین سامانه(بازار)نیمایی یا مرکز مبادله ارز و طلا ایجاد کرده است هیچکدام ویژگی­های یک بازار منسجم ارزی را ندارند و نرخ آنها دقیقا متاثر از نرخ بازار آزاد(قاچاق) و توسط بانک مرکزی تعیین می­شود. البته سامانه­های مورد استفاده در این مراکز جهت تخصیص ارز قابل استفاده می­باشند.

ممکن این سوال مطرح شود که ایا بازار ارز آزاد(قاچاق) می تواند نرخ مناسب ارز را کشف کند؟ برای پاسخ به سوال لازم است عناصر و بازیگران تشکیل دهنده طرف عرضه و تقاضای این بازار را مورد بررسی دقیق قرار دهیم.

**الف-عرضه کنندگان بازار آزاد**

عرضه کنندگان ارز در این بازار شامل چهار گروه هستند.

1-امتناع صادرکنندگان غیر نفتی به ارائه ارز حاصل از صادرات به بانک مرکزی، بانک ها و صرافی های مجاز با نرخ اعلامی بانک مرکزی.

صادرکننده غیرنفتی ارز خود را باید به مراکز رسمی تعیین شده از سوی بانک مرکزی به فروش برساند. معمولا برخی صادرکنندگان به دلیل اختلاف قیمت ارز بازار آزاد(قاچاق)با نرخ تعیین شده، ترجیح می­دهند ارز حاصل از صادرات غیرنفتی خود را در بازار آزاد به فروش برسانند که خلاف قانون است.

2- قاچاقچیان صادرکننده کالا.

یکسری «قاچاقچیان صادر کننده» کالا هستند که ارز حاصل از صادرات این نوع کالا را در بازار آزاد به فروش می­رسانند.

3- مدخلات بانک مرکزی

منظور تزریق های ارزی است که بانک مرکزی برای جلوگیری از نوسانات ارزی در این بازار انجام می­دهد.

4- سفته بازی و ارزهای خانگی

مردم در شرایی تورمی جهت حفظ قدرت خرید پول خود اقدام به خرید ارز در بازار آزاد می­کنند و در شرایطی اقدام به فروش آن می­کنند.

**ب- تقاضاکنندگان بازار آزاد**

تقاضا کنندگان ارز در این بازار شامل شش گروه هستند.

1 - عدم تامین ارز واردکننده‌های رسمی از مراجع رسمی

بخشی از تقاضا، مربوط به «واردکننده‌های رسمی» است که به اندازة کافی ارز به نرخ رسمی یا بازار مبادله یا نرخ نیمایی توسط بانک مرکزی به آنها عرضه نمی­شود؛ بنابراین مجبور می­شوند از بازار آزاد ارز تهیه کند. گرچه نوع تقاضای کالایی این افراد رسمیت دارد و موجه است، ولی به‌دلیل ضعف عملکرد دولت در تامین ارز است که مجبور به ورود به این بازار می­شوند و سرریز نیاز آنها وارد این بازار می­شود.

2-قاچاق کالا

گروه دیگر قاچاقجیان کالا هستند که «واردات قاچاق» انجام می­دهند. این گروه که متقاضی بخش قابل توجه­ای از ارز بازار آزاد هستند، از طریق این بازار منابع ارزی ود را تامین می­کنند.

3-فرار سرمایه

سومین گروه افرادی هستند که منشا «خروج سرمایه» از کشور می­باشند. کسانی که مایل هستند بنابر دلایلی از کشور خارج شوند و مکان زندگی و یا کسب خود را جابجا کنند. ه

4-ارز مسافری

چهارمین گروه، مسافرانی هستند که تمایل به سفر به خارج از کشور را دارند و نیاز به ارز دارند. طبیعی است استفاده از منابع کمیاب ارزی برای مسافرت­هایی که صرفا تفریحی هیگونه توجیه عقلایی ندارد.

5-سفته بازی

پنجمین گروه «سفته‌بازی» توسط برخی از افراد جامعه است. این افراد بنابردلایل کسب سودو یا حفظ قدرت خرید اقدام به سفته بازی در بازار ارز آزاد می­کنند که قانونی نیست.

6-تقاضاهای سازمان یافته از سوی دشمنان خارجی

ششمین گروه تقاضاهای سازمان یافته از سوی دشمنان خارجی است. اکنون که در شرای جنگ اقتصادی قرار داریم کشورهای متخاسم با دخالت در این بازار و افزایش تقاضا به دنبال مختل کردن این بازار و در نتیجه اقتصاد کشور را دارند.

بنابراین ماهیت عرضه و تقاضای این بازار نشان می‌دهد بازار آزاد ارز غیرقانونی و لااقل براساس نیازهای واقعی جامعه نیست. به لحاظ قانونی و عقلایی هیچکدام از تقاضای مربوط به ارز خانگی، مسافری، خروج سرمایه، قاچاق، دخالت خارجی و حتی نیازهای تامین نشده بخش واقعی اقتصاد(به دلیل عملکرد نامناسب بانک مرکزی) نباید وجود داشته باشد. بنابراین بازاری که به‌عنوان «بازار آزاد» وجود دارد و نرخ ارز در آن تعیین می‌شود و متاسفانه دولت در قیمت­گذاری ارز از آن تبعیت می­کند، وفق بند "پ" ماده 2 مکرر قانون اصلاح قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب 20/01/1401، غیرقانونی است.

لذا با توجه به اینکه متغیر نرخ ارز یک متغیر بسیار مهم و کلیدی است و در تمام شئون زندگی و معیشتی جامعه اثرگذار است؛ واگذار کردن تعیین نرخ به این بازار یعنی در جنگ اقتصادی اختیار دادن به سفته باز و دلال و قاچاقچی و دشمن خارجی در تعیین این متغیر کلیدی و دخالت آنها در شئونات زندگی و معیشتی آحاد جامعه.

در مورد تعیین و محاسبه نرخ ارز در شرایطی که بازار منسجم ارزی وجود ندارد، در "کتاب جعبه سیاه تضعیف ریال" مفصل بحث شده است و الگوی محاسبه نرخ ارز ارایه شده است. براساس این الگو نرخ ارز برای سال 1397 معادل 43138.85 ریال تعیین شده است.

***ب) مدیریت (کاهش) تقاضای ارز در*** ***بازار آزاد مختل شده ارزی و رسمی (***مرکز مبادله ارز و طلا ***):***

همانگونه که قبلا نیز مطرح شد، به طورکلی تقاضای برای ارز بدلایل زیر انجام می شود:

1) واردات کالا و یا خدمات مجاز (گروه های 1- 3).

2)واردات از طریق استثنائات تجاری (مناطق آزاد، بازارچه های مرزی، ته لنجی ها، کوله بری و غیره) که عمدتا شامل گروه 4 (کالاهای لوکس و یا دارای تولید مشابه داخلی) می باشد.

3)قاچاق کالا: شامل کالاهای گروه 4 و کالاهای گروه 2 و 3 با تعرفه بالا می باشد.

4)ارز مسافری

5)خروج سرمایه

6)سفته بازی

7)قاچاق کالاهای ممنوعه: شامل مواد مخدر، مشروبات الکلی، داروهای غیرمجاز و غیره

همانطور که ملاحظه می شود، باستثناء بند (1) و بخش اندکی از بند (4) که واردات مجاز و مورد تایید بوده و باید از طریق شبکه رسمی و مرکز مبادله ارز و طلا با نظارت دقیق دولت تامین ارزی شوند و منابع ارزی آنها باید با نرخ یکسان شده ارزی تخصیص یابد[[3]](#footnote-3)، سایر تقاضاهای ارزی مورد تایید نبوده و اکنون نیز ارز مورد نیاز آنها از طریق بازار آزاد مختل شده ارزی تامین می شود. لازم به ذکر است که متاسفانه در سال های اخیر به­رغم آگاهی سیاست­گذاران از ضربات ناشی از قاچاق و واردات از طریق استثنائات تجاری به تولید داخلی و بازار ارز، بدلیل مسایل معیشتی، امنیتی و غیره همواره با اغماض و گذشت به این بخش پرداخته و حتی دامنه شمول آن را به شدت افزایش داده اند. برآوردها نشان می­دهند که از حداقل 15 درصد و در مواقع بحرانی تا 35 درصد تا حدود 40 میلیارد دلار مصارف ارزی از مسیر غیررسمی تامین می شود.[[4]](#footnote-4) با این حجم از تقاضا بدیهی است که حجم قابل توجهی از ارز صادراتی کشور به سمت بازار آزاد مختل شده ارزی سوق پیدا کرده و با توجه به ماهیت این تقاضاها، نرخ های بالای ارز نیز به راحتی در این بازار پذیرفته شود.

بنابراین تا زمانی که این حجم از تقاضا کنترل نشود، دولت نمی­تواند بازارآزاد مختل شده ارزی را کنترل نماید. لذا ضروری است علاوه بر بررسی دقیق تامین نوع نیازهای ارزی از طریق این بازار و تعیین مکانیزم تامین نیازهای ضروری و قانونی آن، اقدامات ذیل در این خصوص انجام شود:

-واردات از کلیه مبادی ورودی شامل مناطق آزاد، بازارچه های مرزی، ته لنجی و غیره منوط به ثبت سفارش و رعایت کلیه مقررات شود (با هدف کاهش و کنترل واردات).

-هرگونه معافیت جدید تجاری ممنوع شود و معافیت های موجود طی یک فرآیند برنامه­ریزی شده 5 ساله (سالانه 20 درصد) حذف شود (منابع حاصل از این سیاست صرفا برای طرح های اشتغال زا هزینه شود).

-اعطای شناسه کالا و کد رهگیری به کلیه کالاها عملیاتی شود و با تکمیل فرآیند هر کالا با کالای فاقد شناسه کالا و کد رهگیری در سطح عرضه برخورد قاطع انتظامی شود (عدم امکان فروش کالای قاچاق).

-تکمیل نقایص سامانه جامع تجارت در زمانبندی حداکثر 2 ماهه بخصوص در بخش گمرک و نیروی انتظامی.

با اجرای کامل موارد فوق، پیش بینی می­شود بین10-15 میلیارد دلار تقاضای ارز مربوط به قاچاق کالا و استثنائات تجاری کاهش یابد (کاهش تقاضای ارز در بازار آزاد مختل شده ارزی). عملیاتی شدن موارد فوق بالحاظ فنی و اداری در صورت حمایت قاطع دولت حداکثر طی شش ماه امکان پذیر می باشد.

-برخورد امنیتی و قضایی جدی با بازار قاچاق ارز: وفق بند"پ" ماده مکرر قانون اصلاح قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز؛ مصوب 20/1/1401 و همچنین صادرکنندگانی که با تاخیر ارز را عرضه می‌کنند (بخصوص دولتی و شبه دولتی).

***ج) مدیریت (افزایش) عرضه ارز در بازار رسمی:***

به منظور تامین ارز مورد نیاز واردات رسمی ضروری است کلیه صادرکنندگان موظفند گردند که صددرصد ارز حاصل از صادرات خود را از طریق سامانه نیما به بانک ها و صرافی های مجاز بفروشند. برای اطمینان از بازگشت ارز صادرکنندگان به سامانه نیما اقدامات ذیل باید صورت گیرد.

1)کلیه صادرکنندگان موظف شوند که درخواست های صادرات خود را ابتدا در سامانه جامع تجارت ثبت و پس از کنترل اعتبار صادرکننده و رعایت مقررات به صادرات از طریق گمرک بپردازند.

2)هرگونه صادرات ریالی ممنوع بوده و صادرکنندگان مکلف به ارایه ارز حاصل صادرات (ارز بین المللی و یا ارز محلی کشور مقصد صادرات) بوده و هر گونه استثنا در این باره لغو گردد.

3)اعمال کلیه معافیت‌های مالیاتی و مشوق های صادراتی و نرخ‌های مخفف یارانه‌ای انرزی (برق، گاز و غیره) تنها در صورت ایفای تعهدات ارزی صادرکنندگان امکان پذیر است.

4) نظام ارزی فعلی ایران از دیرباز براساس نوع گستره تجارت آن گسترش نیافته است. به این معنی که عمده تجارت ایران با شرق اما بسترهای پولی و ارزی ایران در غرب تعریف شده است. لذا لازم است تا تغییرات اساسی در این خصوص اعمال گردد.

***د) تقویت حاکمیت ریال و کنترل تبادلات ریالی در بازارآزاد مختل شده ارزی:***

هرچند سیاست های کنترل تقاضا و افزایش عرضه می­تواند به کوچک شدن بازار آزاد مختل شده ارزی و کنترل نرخ توسط دولت کمک نموده و به تدریج بازار رسمی و رقابتی شکل گرفته و نقش رهبر را در تعیین نرخ بدست بگیرد، لیکن جهت محدود نمودن بیشتر این بازار مختل شده، در صورتی که تبادلات ریالی که منجر به تقاضا و خرید ارز از این می شود را نیز کنترل نمود، می­توان امیدوار بود که بازار آزاد مختل شده ارزی محدود و محدوتر گردد. به این منظور اجرای موارد ذیل ضروری می باشد.

1)آیین نامه­های قانون مبارزه با پولشویی با فوریت به ویژه در خصوص 3 موضوع ذیل به تصویب رسیده و عملیاتی شود (با هدف کنترل گردش ریالی کالاهای قاچاق، فرار سرمایه و غیره):

* تعیین سطح فعالیت مشتری (کنترل انتقال وجوه قاچاق و خرید ارز توسط افراد و شرکت هایی که واردات رسمی ندارند)
* تفکیک حسابهای شخصی و تجاری
* محدودیت ارائه خدمات به افراد مظنون

2) سیستمی نمودن درج علت تراکنش در مبالغ بیش از دو میلیارد دلار از طریق سامانه جامع تجارت و فاکتورهای رسمی.

3) خرید و فروش هرگونه دارایی­های رمزگذاری شده همانند بیت­کوین و غیره غیرمجاز اعلام شده و در حکم خرید و فروش غیر مجاز ارز تلقی گردد.

4) خرید و فروش سکه، شمش و مسکوکات طلا در راستای تبصره 4 ماده 18 قانون مبارزه با قاچاق، بصورت فاکتورهای رسمی و سیستمی انجام گیرد (آیین نامه در اسرع وقت تصویب و عملیاتی شود).

5) کلیه ایران چک های موجود در بازار طی یک فرآیند 4 ماهه ابطال و با گسترش خدمات الکترونیک و به خصوص کیف پول الکترونیکی نیاز نقدینگی تامین شود.

***هـ) ساماندهی صرافی ها***

تا زمان ایجاد بازار منسجم ارزی که نیازمند افزایش صادرات غیرنفتی، کاهش وابستگی بودجه دولت به منابع ارزی حاصل از صادرات نفت و گاز جهت مصارف جاری، شکست ساختارهای انحصاری صادرات غیرنفتی و ایجاد سایر بسترهای مناسب، فعالیت صرافی­ها باید به شدت محدود شود. کلیه صرافی های غیر مجاز باید سریعا حذف شوند. با توجه به تخصیص منابع ارزی در شرایط عدم وجود بازار منسجم ارزی توسط دولت و بانک مرکزی، چند صرافی مشخص و کاراء برای انجام معاملات ارزی تعیین شود.

***ت) پیوست رسانه ای و فضای مجای این سیاست­ها***

در شرایط کنونی فضاسازی رسانه‌ای به نفع این سیاست ها نیست و لازم است اجرای این سیاست ها به منظور مقابله با جنگ رسانه‌ای و مجازی با یک پیوست رسانه ای همراه باشد.

در انتها لازم است به این نکته مهم توجه شود که مجموعه اقدامات فوق باید به صورت یک مجموعه با هم اجراء شود. نمی توان یکی از آنها را اجراء کرد و به مابقی توجه نکرد. اجرای ناقص و یا ضعیف هرکدام از محورهای فوق، باعث شکست این سیاست­ها و گسترش بازار قاچاق ارز(غیررسمی) و در نهایت حاکم شدن نرخ دوم و انتظارات تورمی جامعه خواهد شد.

**ی-تکمیل سریع پایگاه­های اطلاعاتی**

لازمه موفقیت در اجرای هرگونه سیاست­ اقتصادی و هدفمند، وجود پایگاه­های اطلاعاتی کارایی است که در آن کلیه فعالیت­های اقتصادی بازیگران اقتصادی قابل رصد باشد. با توجه به وجود بسترهای قانونی مکفی و زیربنای فناوری اطلاعاتی کشور، با یک همت ملی و تلاش جهادی در کمتر از یک سال می­توان این پایگاه­ اطلاعاتی را به بهره­برداری رساند. تکمیل این پایگاه اطلاعات منشاء یک تحول عظیم در اتخاذ سیاست­های اقتصادی و مباره با فساد اقتصادی در کشور خواهد شد.

1. نظام یکپارچه مدیریت ارزی(نیما) [↑](#footnote-ref-1)
2. نماگرهای، اقتصادی بانک مرکزی ج.ا.ا سال 1402. [↑](#footnote-ref-2)
3. در مورد ارز مسافری و سفرهای غیر ضرور بدیهی است نباید منابع ارزی کمیاب به آنها تخصیص یابد، در صورت اصرار دولت ها بر تامین منابع ارزی آنها، باید از طریق سایر ابزارهای سیاتی همانند عوارض سنگین بر سفرهای خارجی مدیریت شود. [↑](#footnote-ref-3)
4. بر اساس یک برآورد میزان تقاضای ارز این گروه بالغ بر 40 میلیارد دلار (13 میلیارد دلار از طریق استثنائات تجاری، 12 میلیارد دلار قاچاق کالا، 4-5 میلیارد دلار قاچاق کالاهای ممنوعه و 10-15 میلیارد دلار سفته بازی و خروج سرمایه) برآورد می شود. براساس

   -برآورد دیگر بر اساس بررسی و تحلیل اطلاعات ترازپرداخت های بانک مرکزی نشان می دهد که حداقل 15 درصد و در مواقع بحرانی تا 35 درصد از مصارف ارزی کشور از مسیر غیررسمی تامین می شود. [↑](#footnote-ref-4)